

طراحی الگوی مفهومی عوامل پیش‌برنده و بازدارنده مشارکت شهروندی در نهج‌البلاغه

رضا واعظی *

هادی خان محمدی **

مصطفی دلشادتهرانی ***

حسین اصلی پور ***

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۱۲/۰۵

پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۰۵/۳۰

چکیده

مشارکت شهروندی محصول دموکراسی در دوران جدید و به رسمیت شناختن حق حاکمیت یکایک انسانها در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خویش است. این در حالی است که بر اساس آموزه‌های اسلامی، مشارکت مردم جزء دگرترین و اندیشه‌های بنیادین حکومت اسلامی به شمار می‌رود. بنابراین دولتهای اسلامی باید ساز و کار تحقق مشارکت حداکثری مردم را طراحی کنند. مسئله پژوهش این است که چه عواملی در تقویت و یا تضعیف مشارکت مردم در عرصه‌های مختلف حاکمیتی نقش دارد و یا مؤثر است. برای استخراج این عوامل به یکی از مهمترین منابع معتبر دینی یعنی نهج‌البلاغه مراجعه شده است. تحلیل داده‌ها نیز با استفاده از راهبرد تحلیل مضمون مبتنی بر نرم‌افزار Maxqda صورت گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندی در دو دسته عوامل پیش‌برنده و بازدارنده قرار می‌گیرد که هر یک از آنها می‌تواند منشأ مردمی و دولتی داشته باشد؛ به عبارت دیگر هم دولتها و هم شهروندان در ایجاد مشارکت سهیم هستند. قدرت متقابل نیروی عوامل پیش‌برنده و نیروی عوامل بازدارنده حد توازن و تعادل مشارکت شهروندی را ایجاد خواهد کرد.

کلیدواژه‌ها: نهج‌البلاغه، دولت اسلامی، مردم‌سالاری دینی، مشارکت شهروندی، حاکمیت سیاسی.

* استاد گروه مدیریت دولتی دانشگاه علامه طباطبائی(ره)

** نویسنده مسئول: استادیار گروه مدیریت دولتی دانشگاه علامه طباطبائی(ره)

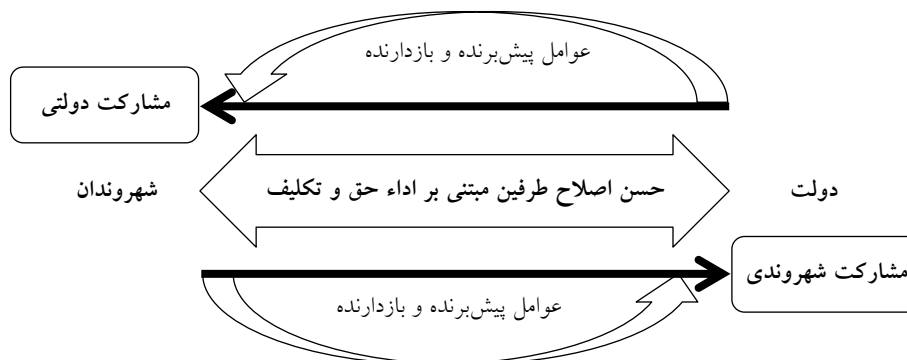
khanmohammadi@atu.ac.ir

*** استادیار دانشگاه قرآن و حدیث

**** استادیار گروه مدیریت دولتی دانشگاه علامه طباطبائی(ره)

مقدمه

مشارکت مردم در اداره کشور، قدمتی به دیرینگی نخستین نمودهای زیست گروهی بشر دارد. صرف نظر از تبارشناسی فکر مشارکت و برداشت خاص آن (مشارکت سیاسی)، مشارکت محصول زایش فکر مردم سالاری در دوران جدید و به رسمیت شناختن حق حاکمیت یکایک انسانها در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خویش است. امروزه این واقعیت تاریخی گویا است که شهروندان حق دارند آزادانه یا به واسطه میثاقی که با دولت دارند در تصمیم گیریها و مدیریت سیاسی جامعه مشارکت کنند. اهمیت این موضوع تا جایی است که بیشتر نظامهای حاکمیتی برای پرهیز از بحران مشارکت، به بومی سازی و سازماندهی حقوقی مشارکت در عرصه داخلی و بین المللی روی آورده، و دریافته اند که هرچه به حضور مردم در تعیین سرنوشت خویش بها دهند، چهره مطلوبی از خود ظاهر می کنند و به ثبات و بقای خود امیدوارتر خواهند شد. از این رو در ادبیات مدرن غربی اتخاذ رفتار مناسب دولت در برابر مشارکت شهروندان با باور انتقال پذیری قدرت، می تواند معیاری مهم در درجه مشروعیت دولتها تلقی شود (رحمت اللهی و آقا محمد آقایی، ۱۳۹۲: ۶۸). البته باید اذعان کرد مبنای این مشارکتها در اندیشه های غربی بر اساس نظریه قرارداد اجتماعی است. از این رو در ۶۰ سال اخیر الگوهای مختلفی از مشارکت شهروندی بر اساس این مبنا ارائه شده است. این در حالی است که بر اساس آموزه های اسلامی و دکترین و اندیشه های بنیادین حکومت اسلامی، مشارکت مردم نه تنها مذموم نیست بلکه بسیار مورد تأکید قرار گرفته است و دارای مبنای متقن و معتبر علمی است به طوری که مشارکت شهروندی بسته به نوع فرهنگ جامعه و با توجه به ارزشها و اصول حاکم بر آن معنا و مفهوم متفاوتی به خود خواهد گرفت (خان محمدی، ۱۳۹۳). نهج البلاغه یکی از منابع مهم و معتبر دینی است که به عنوان یکی از آثار بی نظیر ادبی جهان، خاستگاه و محرک بسیاری از سازه های فکری و اصلاح سامانه های حاکمیتی و حکمرانی نوین اسلامی است. بر اساس نتایج تحقیقات اسلامی مبتنی بر نهج البلاغه، مشارکت دارای دو سوی مشارکت شهروندی و مشارکت دولتی است (فاضل لنکرانی، ۱۳۶۶) که ابعاد هر یک به تناظر یکدیگر شکل می گیرد و به تفصیل تبیین نیز شده است. در حقیقت موضوع این است که مشارکت شهروندی و مشارکت دولتی لازم و ملزوم یکدیگر است و هر یک در شکل گیری خود سهم اصلی را دارد (خان محمدی و دیگران، ۱۳۹۳).



نمودار ۱: الگوی مادر (چارچوب) مشارکت (منبع: خان‌محمدی، ۱۳۹۳)

چارچوب فوق در حقیقت حاکی از سه قضیه است که اولاً دولت و شهروندان موظف هستند که همدیگر را اصلاح کنند تا رشد و تکامل حاصل گردد. ثانیاً این اصلاح باید بر اساس حسن تعامل صورت بگیرد و در نهایت این حسن تعامل و اصلاح باید بر اساس شناخت حقوق و تکالیف طرفین و ادای عملی آنها صورت پذیرد (خان‌محمدی و دیگران، ۱۳۹۳).

بنابراین منشأ مشارکت شهروندی، ناشی از مشارکت دولتی و برعکس است. این دولتها هستند که انگیزه مشارکت را در مردم ایجاد می‌کنند و از طرفی این شهروندان هستند که با تعامل خوب انگیزه دولت را برای مشارکت ایجاد می‌کنند.

در این پژوهش بدنبال پاسخ به سؤالات زیر هستیم:

- ۱- عوامل پیش‌برنده و بازدارنده مشارکت شهروندی منشأ دولتی چیست؟
- ۲- عوامل پیش‌برنده و بازدارنده مشارکت شهروندی منشأ شهروندی چیست؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

مشارکت شهروندی

واژه «مشارکت» از جمله اصطلاحاتی است که همانند بسیاری از مفاهیم از پیچیدگی و ابهام خاصی برخوردار است (شرفی، ۱۳۸۸: ۲۸۲). لذا از مفهوم مشارکت تفسیرها و تعریفهای زیادی

توسط پژوهشگران و مجریان^۱ به عمل آمده است و هیچ تعریف جهانی مورد قبولی نیز در مورد مشارکت شهروندی وجود ندارد (گینور^۲، ۲۰۱۱: ۲۰). شاید بتوان گفت سبب گستردگی معنی مشارکت، ویژگی خاص این مفهوم باشد؛ چرا که به اعتباری، بنیاد و سرچشمه فرهنگها و تمدنها با مشارکت مردم در کارهای گوناگون ایجاد شده است (هوگس، ۲۰۱۱).

کلمه مشارکت در لغت به معنی شرکت کردن است. در جامعه‌شناسی، مشارکت به معنی حالت یا وضعی است که فرد به گروهی خاص تعلق، و در آن سهمی دارد؛ اما گاهی به معنی شرکت فعالانه در گروه به منظور به ثمر رساندن فعالیتی اجتماعی است. مشارکت به معنای نخست جامعه شناختی لازمه معنای دوم آن است؛ زیرا شرکت فعالانه در رفتار اجتماعی زمانی پدید می‌آید که فرد به گروهی خاص تعلق داشته، و از آن برای خود سهمی قائل باشد. مقصود ما از واژه «مشارکت» دومین معناست که مفهوم نخست را نیز در بردارد. اصطلاح «مشارکت‌پذیری» به فرایندی اشاره دارد که افراد طی آن به عمل جمعی اقدام، یا رفتار خود را به تحقق هدفی مشترک معطوف کنند (رستگاری و برخوردار، ۱۳۸۸: ۹۷).

در مجموع اندیشمندان، تعاریف مختلفی از مشارکت شهروندی ارائه کرده‌اند که برخی از آنها به این است:

- تعریف شفریتز (۲۰۰۴) از مشارکت شهروندی بدین شکل است: "توانمندسازی افراد و گروه‌ها به همراه قدرت چانه‌زنی برای نشان دادن علایق و برنامه‌ریزی برنامه‌هایشان به سمت رسیدن به قدرت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و کنترل" (هنگک چنگ^۳، ۲۷: ۲۰۱۱).

- مشارکت عمومی شامل مشارکت در فرایند شکل‌گیری و تصویب و اجرای خط‌مشی‌های عمومی از طریق اقدامات شهروندی است که هدف آن تأثیرگذاری بر تصمیماتی است که در بیشتر موارد نمایندگان شهروندان و مأموران رسمی شرکت دارند (پری^۴ و دیگران، ۱۹۹۲).

- فرایندی است که از طریق آن نیازها، انتظارات، نظر و ارزشهای عمومی در خط‌مشی‌ها و تصمیمات دولتمردان و سیاستگذاران انعکاس پیدا می‌کند و به صورتهای مختلف و به درجات گوناگون امکان وجود دارد (الوانی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۲).

1 - Practitioner

2 - Gaynor

3 - Hong - cheng liu

4 - Pary & et al

در مجموع می‌توان گفت که مشارکت مفهومی است که در تمامی مراحل خط‌مشی‌گذاری، تدوین سیاست، اجرا و نظارت جاری و حاکم است و اجرای آن نیازمند رویکردی سیاستی یکپارچه است (اشتون، ۲۰۱۷).

عوامل مؤثر در مشارکت شهروندی

با وجود اهمیت مشارکت مردم در توسعه و تأکید برنامه‌ریزان و کارشناسان بر ضرورت به کارگیری آن (ریوت، ۲۰۱۷)، جلب مشارکت مردم همواره با مسائل و مشکلاتی روبه‌رو است. عوامل مشارکت از دیدگاه‌های مختلف بررسی شده است. این دیدگاه‌ها را می‌توان در دو دسته کلی ذیل تقسیم‌بندی کرد:

۱- عوامل اقتصادی: مشارکت در مواردی هزینه‌بر است و به سرمایه‌گذاری از ناحیه مشارکت‌کننده نیاز دارد؛ به همین دلیل برخی از مردم با وجود علاقه‌مندی نمی‌توانند مشارکت مادی کنند. نهاد مشارکت‌جو باید امکان مشارکت غیر مادی مردم را نیز پیش‌بینی و فراهم کند (آمانسکی و فربرگ، ۲۰۱۸).

۲- عوامل اجتماعی و هنجارهای سنتی و فرهنگی: موانع مشارکت در جهان سوم عمدتاً فرهنگی اجتماعی است؛ لذا هر یک از موارد ذیل می‌تواند انگیزه مشارکت مردمی را کاهش دهد:

- ناآگاهی مردم نسبت به اهداف طرح و ویژگیهای آن؛ مردم اگر به اهداف کلان نهاد مشارکت‌جو اعتماد و آگاهی نداشته باشند در آن مشارکت نمی‌کنند.

- بیسوادی یا کم‌سوادی مردم

- رقابت و چشم و هم‌چشمی که به حسادت و کینه‌توزی منجر می‌شود و افراد را از کار جمعی دور می‌کند.

- عدم اعتماد و احتیاط کاری

- نفع‌طلبی شخصی

- دخالت‌های سیاسی، پراکندگی امکانات مادی، بیسوادی و ناآگاهی (بابایی‌ردویی و همکاران،

۱۳۸۸: ۳۵۳ و ۳۵۴).

در یک تحقیق دیگر پیترو اوکلی و دیوید مارسدن (۱۳۷۰) موانع مشارکت در طرح‌های توسعه

را به سه دسته تقسیم می‌کنند:

۱- موانع عملی: برنامه‌ریزی فوق‌متمرکز، ساختارهای ناقص عرضه، نبود هماهنگی‌های محلی،

نامناسب بودن فناوری طرح، بی‌ربط بودن محتوای طرح و نبود ساختارهای محلی
 ۲ - موانع فرهنگی: این موانع بویژه بعد از مطالعات فریره مورد تأکید قرار گرفته است؛ مواردی
 چون ضعف از ابراز مخالفت و نیز بیزاری از تملق‌گویی برای افراد غیر بومی عوامل مهمی در
 کاهش سطح مشارکت مردم است.

۳ - موانع ساختاری: بویژه روابط حاکم بر تولید و قدرت موانع جدی سر راه مشارکت مردم
 است. وجود برنامه‌ریزی‌های متمرکز و دیوانسالار در ادارات نیز از جمله موانع بنیادی است و شرایط
 مشارکت را تعیین می‌کند.

مفهوم‌پردازی دولت و شهروند در نهج‌البلاغه

رفتار حکومتی و مدیریتی بشدت تحت تأثیر نوع دریافت از مفهوم حکومت است و هرگونه
 که حکومت فهمیده شود به تناسب آن فهم و دریافت رفتار حکومتی شکل می‌گیرد. اگر حکومت
 به مفهوم سلطه، تجبر و تحکم و خودکامگی باشد، رفتارهای سلطه‌گرایانه آمرانه و خودکامگی در
 رفتار و مناسبات حکومتی ظهور می‌نماید. اگر حکومت به مفهوم مشارکت، هدایت و خدمت
 باشد، رفتارهای خاص این ویژگیها شکل می‌گیرد (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹: ۴۱). در اندیشه علوی
 حکومت هرگز به معنای خودرأیی و خودکامگی نیست. در نهج‌البلاغه هرگز از حاکم جامعه
 اسلامی به عنوان مَلِک یا سلطان سخنی در خطبه‌ها و نامه‌ها به میان نیامده است؛ چرا که اصولاً
 کلمه "سلطان" درون خود متضمن مفهوم سلطه در حاکم است؛ یعنی آن کسی که حاکم است از
 بعد سلطه‌گری مورد توجه است. هم‌چنین کلمه "مَلِک، ملوکیت، مالکیت" نیز، که متضمن مفهوم
 تملک مردم یا تملک سرنوشت مردم است، استفاده نشده است. تعبیراتی که در نهج‌البلاغه از
 حاکم جامعه اسلامی به میان آورده شده، یکی "امام" به معنای پیشوا و رهبر است. رهبر کسی
 است که اگر جمعیتی را و امتی را به دنبال خود می‌کشاند، خود پیشقراول و طلایه‌دار این حرکت
 است. حضرت در خطبه ۱۷۴ چنین می‌فرماید: "ای مردم به خدا سوگند، که من شما را به هیچ
 فرمانی ترغیب نمی‌کنم؛ جز آنکه، خود به انجام دادن آن بر شما پیشی می‌گیرم و شما را از
 معصیتی نهی نمی‌کنم جز آنکه خود پیش از شما از انجام دادن آن باز می‌ایستم" (نهج‌البلاغه،
 ترجمه آیتی، خطبه ۱۷۴).^(۱)

تعبیر دیگر، "والی" است. والی از ولایت یا ولایت گرفته شده است. ولایت در اصل معنای
 لغت به معنای پیوند و همجوشی دو چیز است؛ هر چند برای ولایت معانی دیگری من جمله ولایت

به معنای محبت، ولایت به معنای سرپرستی، ولایت به معنای آزاد بودن برده، ولایت به معنای بردگی یا ارباب برده بودن و... ذکر کرده‌اند؛ اما آنچه مد نظر ماست این است. علم لغت می‌گوید: ولایت یعنی اتصال دو شیء به همدیگر به طوری که هیچ چیز میان آن دو فاصله نشود (راغب اصفهانی، ۱۳۷۱)؛ به تعبیر دیگر ولایت معنی به هم پیوستگی و هم‌جوشی است. با این تعبیر والی امت و والی رعیت آن کسی است که کار مردم را بر عهده دارد و با آنان پیوسته است و همین معنی، بُعد خاصی را از مفهوم حکومت از نظر نهج‌البلاغه روشن می‌کند؛ بدین معنا که ولی امر یعنی تصدی این امر حکومت که هیچ امتیازی از لحاظ وضع زندگی و برخورداریهای مادی به او تعلق نمی‌گیرد. بنابراین به تعبیر نهج‌البلاغه، حکومت هیچ‌گونه اشاره‌ای به سلطه‌گری ندارد. این اندیشه در نامه حضرت به اشعث ابن قیس پس از عزل وی از استانداری آذربایجان نمایان است (خان‌محمدی، ۱۳۹۳: ۱۵۸):

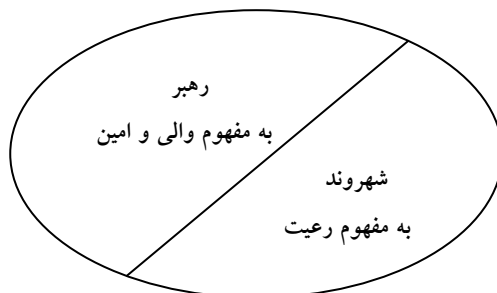
"حوزه فرمانروایت طعمه تو نیست؛ بلکه امانتی است بر گردن تو و از تو خواسته‌اند که فرمانبردار کسی باشی که فراتر از توست. تو را نرسد که خود هر چه خواهی رعیت را فرمان دهی یا خود را درگیر کاری بزرگ کنی؛ مگر آنکه دستوری به تو رسیده باشد. در دستان تو مالی است از اموال خداوند عز و جل و تو خزانه‌دار هستی تا آن را به من تسلیم کنی. امید است که من برای تو بدترین والیان نباشم و السلام" (نهج‌البلاغه، ترجمه آیتی، نامه ۵).^(۲)

بنابراین ملاحظه می‌شود نگاه امام به رهبر و حاکم اسلامی چگونه است؛ اما از سوی دیگر نهج‌البلاغه مردم را در یک تعبیر به "رعیت" خطاب می‌کند. رعیت یعنی جمعی که رعایت و مراقبت آنان و حفاظت و حراست آنان بر دوش ولی امر است. امیرالمؤمنین در عهدنامه مالک اشتر چنین آموزش می‌دهد: "قلب خود را از مهربانی و دوستی و لطف به مردمان لبریز ساز. مبادا نسبت به آنان چون جانور درنده آزارکننده‌ای باشی که خوردنشان را غنیمت شماری؛ زیرا مردمان دو دسته‌اند: یکی برادر دینی تواند و دیگری در آفرینش با تو همانند".^(۳)

به عبارت دیگر، یکی از چیزهایی که رضایت عمومی بدان بستگی دارد این است که حکومت با چه دیده‌ای به توده مردم و به خودش نگاه می‌کند. با این چشم که آنها برده و مملوک و خود، مالک و صاحب اختیار است و یا با این چشم که آنها صاحب حقند و او خود تنها وکیل و نماینده است. در صورت اول هر خدمتی انجام دهد از نوع تیماری است که مالک حیوان برای حیوان خویش، انجام می‌دهد و در صورت دوم از نوع خدمتی است که امین صالح انجام می‌دهد. اعتراف

حکومت به حقوق واقعی مردم و احتراز او از هر نوع عملی که مشعر بر نفی حق حاکمیت آنها باشد از شرائط اولیه جلب رضا و اطمینان آنهاست" (مطهری، ۱۳۶۶: ۸۹). بنابراین امام علی (ع) مردم را به چشم رعیت نگاه می‌کند که در فرهنگ امروزی معنای آن قلب شده است و معنای منفی را تبادر می‌کند. این در حالی است که این واژه معنای متعالی دارد و به کسانی اطلاق می‌شود که ذی حق هستند و حقوق آنها باید توسط دولت پاسداشت شود. امروزه در ادبیات متعارف علوم سیاسی به این مفهوم، «شهروند»^۱ گفته می‌شود که مفهوم اساسی مقوله دموکراسی است (خان‌محمدی، ۱۳۹۳: ۲۶۷).

در مجموع می‌توان در مفهوم‌پردازی حکومت در نهج‌البلاغه چنین تبیین کرد که از یک سو، آن که در راس حکومت است، والی است؛ امین و متصدی کارهای مردم است؛ وظیفه و تکالیف مهمی بر دوش دارد؛ انسانی است که بیشترین بار مسئولیت و سنگین‌ترین مسئولیت بر دوش اوست؛ اما در سوی دیگر مردم قرار دارند که باید با لحاظ ارزشها و شخصیت‌های گوناگونی که دارند، مورد رعایت قرار بگیرند؛ لذا مفهوم حکومت این چنین است نه سلطه‌گری و نه زورمداری و نه افزون‌طلبی است.



نمودار ۲: مفهوم حکومت به مثابه پیوستگی رهبر و مردم

موضوع «مشارکت شهروندی»، پیشینه‌های پژوهشی متعددی در تحقیقات داخلی و خارجی دارد؛ اما نمی‌توان بسیاری از آنها را در زمره پیشینه تحقیقاتی این پژوهش تشریح کرد؛ چرا که مسئله این تحقیق، بررسی موضوع مشارکت شهروندی در بافت مباحث اسلامی و بویژه دیدگاه‌های امیرالمؤمنین در نهج‌البلاغه است. با در نظر گرفتن این بافت و بویژه تمرکز بر موضوع عوامل

1 - Citizen

بازدارنده و پیش‌برنده مشارکت، دایره پیشنهادیه تحقیقاتی موضوع مشارکت شهروندی بسیار محدود می‌شود. جدول ذیل بیانگر برخی از مهمترین تحقیقات در این باره است:

جدول ۱: پیشنهادیه پژوهش

عنوان پژوهش	پژوهشگر	سال	مهمترین یافته‌ها
تبیین مفهوم مشارکت شهروندی از دیدگاه علامه طباطبائی	رحمانی و همکاران	۱۳۹۳	در این مقاله مفهوم مشارکت شهروندی از دریچه نظریه ادراکات اعتباری علامه طباطبائی (استخدام، عدالت، شورا، رئالیسم تعاملی، ولایت و جامعه اسلامی) تبیین شده است.
نظریات فارابی و کاربرد آن در مشارکت شهروندی	پوراحمد و همکاران	۱۳۹۱	نظریات فارابی به بحث امروزی مشارکت شهروندی نزدیک است. می‌توان گفت در اندیشه او با انسانی جمع‌گرا و البته شهرگرا روبه‌رو هستیم که سرشار از آینده‌نگری است.
تفکرات اجتماعی و دیدگاه‌های جامعه‌شناسی امام علی علیه‌السلام در نهج البلاغه	برزگر کلیشمی	۱۳۶۹	در این تحقیق ضمن بررسی اصالت فرد یا جامعه همراه با مفاهیم مختلف فلسفی، اجتماعی و حقوقی آن، اندیشه‌ها و آرای جامعه‌شناسان و امام در موضوع تحقیق با محوریت سؤال اصالت فرد یا جامعه مورد بررسی قرار می‌گیرد.
حقوق متقابل مردم و حکومت در نهج البلاغه	بیات	۱۳۸۱	در این تحقیق، ضمن مقایسه حقوق متقابل مردم و حکومت در نظامهای متعارف غربی بویژه نظام لیبرال دموکراسی و نظامهای توتالیتر و نیز مقایسه با حکومتها پیش از ظهور اسلام (دوران جاهلیت) به تبیین تمایزات موضوع در حکومت امیرالمؤمنین می‌پردازد.
بررسی تطبیقی تأثیر نهادهای محلی قبل و بعد از انقلاب اسلامی بر مشارکت شهروندی	حافظ‌نیا و همکاران	۱۳۹۰	در ایران شروع اندیشه ایجاد نهادهای رسمی برای مشارکت مردم در کارهای اجرایی محل سکونت آنان به انقلاب مشروطه باز می‌گردد. از آن تاریخ تاکنون نیز نهادهای گوناگون و متفاوتی با ماهیت محلی به وجود آمده‌اند که هدف ایجاد آنها مشارکت مردم در کارهای محلی و واگذاری اداره امور محلی به آنان بوده است.

روش پژوهش

انتخاب روش تحقیق تابع مسئله و هدف پژوهش است. از آنجا که هدف اصلی این پژوهش اکتشافی و بنیادی، و نیز مسئله رسیدن به الگوی عوامل مؤثر مشارکت از متن نهج البلاغه است، نوع راهبرد تحقیق مناسب برای بررسی و تحقیق این پژوهش، تحقیق کیفی است. در این میان تحلیل

مضمون (بروان و کلارک^۱، ۲۰۰۶، بیاتزیس^۲، ۱۹۹۸: ۴) به عنوان روش اصلی تحقیق مورد استفاده قرار گرفته و ضمناً در فرایند تجزیه و تحلیل داده‌ها از مزایای راهبرد نظریه‌پردازی داده بنیاد^۳ نیز بهره گرفته شده است.

روش جمع‌آوری داده بر روش کتابخانه‌ای مبتنی است. بدین منظور با استفاده از نرم‌افزارهای تخصصی نهج‌البلاغه ابتدا تمام نامه‌ها، خطبه‌ها و حکمت‌های نهج‌البلاغه مروری اجمالی شد. سپس با توجه به سؤالات تحقیق، خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های مرتبط با موضوع شناسایی و برخی یادداشت‌های اولیه در کنار آنها نوشته شد. سپس خطبه‌ها، نامه‌ها، و حکمت‌های شناسایی شده به خبرگان ارائه شد تا اولویت‌بندی هر کدام از این سه دسته بر اساس میزان اهمیت و ارتباط آن با موضوع تحقیق مشخص شود. سپس با توجه به اینکه کدام یک از خطبه‌ها و نامه‌ها و حکمت‌ها بیشترین اطلاعات را در پاسخ به سؤالات تحقیق داشت، نمونه‌های نظری انتخاب شد. بدین ترتیب ابتدا نمونه نظری از خطبه‌ها و سپس نامه‌ها و حکمت‌ها انتخاب شد. این فرایند انتخاب و نمونه‌گیری تا رسیدن به مرز اشباع نظری ادامه یافت. نمونه‌های انتخاب شده در خطبه‌ها، نامه‌ها، و حکمت‌ها به شرح جدول‌های ذیل است:

جدول ۲: نمونه‌های نظری تحقیق

متون	نمونه نظری
۲۱۶، ۵۱، ۴۰، ۳۴، ۱۶	اول: خطبه‌ها (اولویت یک)
۵۳، ۶۰، ۶۲، ۴۶، ۴۷، ۵۰، ۲۶، ۱، ۵، ۲۵	دوم: نامه‌ها (اولویت یک)
۳۷۵، ۲۵۲، ۳۵۴، ۳۷۴	سوم: حکمت‌ها (اولویت یک)
۲، ۱۹، ۲۰، ۳۸، ۴۰، ۴۱، ۴۳، ۷۶، ۶۷، ۶۲، ۲۷	چهارم: نامه‌ها (اولویت دو)
۱۶۷، ۱۶۹، ۱۷۳، ۱۸۰، ۲۴۱، ۱۵۶، ۱۱۹، ۱۲۳، ۱۰۵، ۸۷، ۲۷، ۴، ۱۵	پنجم: خطبه‌ها (اولویت دو)
۴۳۸، ۴۰۱، ۲۰۶، ۲۶۱، ۲۱۱، ۱۹۸، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۴۷، ۷۳، ۳۱، ۳۵	ششم: حکمت‌ها (اولویت دو)
۷۰، ۶۳، ۶۰، ۵۹، ۵۸، ۵۷، ۵۱، ۳۱، ۵۴	هفتم: نامه‌ها (اولویت سوم)
۱۰۱، ۹۵، ۸۸، ۷۶، ۷۴، ۷۱، ۶۴، ۴۱، ۳۹، ۲۹، ۲۸، ۲۴، ۱۷، ۱۴، ۱۳، ۶، ۶۹، ۳۳	هشتم: خطبه‌ها (اولویت سوم)
۶، ۲۱، ۴۲، ۲۹، ۴۵، ۷۴، ۷۹، ۷۱	نهم: نامه‌ها (اولویت چهارم)
۱۹۲، ۲۳۸، ۱۶۸، ۱۷۵، ۱۶۴، ۱۶۱، ۱۵۹، ۱۲۶، ۱۲۴، ۱۲۳، ۲۳۲، ۲۰۵	دهم: خطبه‌ها (اولویت چهارم)

- 1 - Braun & Clarke
- 2 - Boyatzis
- 3 - Grounded theory

یافته‌های پژوهش

مجموع شناسه‌گذاری توصیفی و تفسیری از ده مجموعه نمونه نظری، که با نرم‌افزار Maxqda مورد تحلیل قرار گرفته است به صورت جدول مضمونهای ذیل ارائه می‌شود:

جدول ۳: مضمونهای پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر

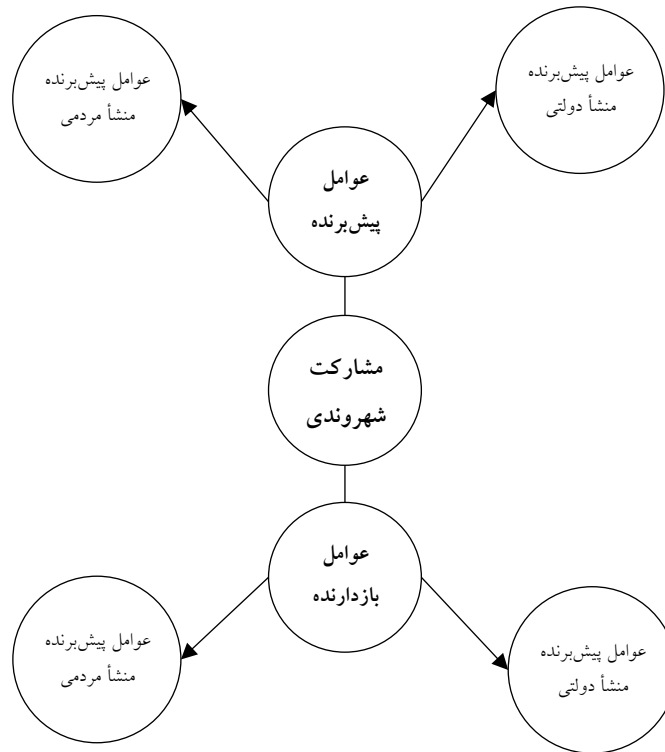
مضمونهای پایه	مضمونهای سازمان‌دهنده	مضمونهای فراگیر
دنیاپرستی و نارضایتی به عدالت	عوامل بازدارنده با منشأ مردمی	عوامل بازدارنده مشارکت
صیانت ذات شخصی و خودپرستی، علت عدم پیروی از رهبر		
جهل و نادانی بین مردم		
ضعف و ترس علت پیروی نکردن از رهبر و منجر به سلطه و شکست از دشمن		
عدم تعقل و بی‌بصیرتی مردم		
غفلت از دشمن منجر به پیروی نکردن		
بی‌بصیرتی و کارشکنی مسئولان	عوامل بازدارنده با منشأ دولتی	
بی‌اعتنایی و بی‌توجهی		
دروغگویی		
خیانت به امانت و حقوق مردم (خیانت به بیت‌المال توسط مسئولان)		
استبدادگری با رعیت		
تندخویی		
رفتار آمرانه با مردم		
اذیت و آزار مردم		
تکبر و خودپسندی مسئولان		
دوری و اختفای طولانی زمامدار از مردم		
خلف وعده به مردم		
توجه به خویشاوندان خود در حکومت		
امتیازخواهی بیش از حق خود		
شتابزدگی در عمل ناخوشایند مردم		
منت‌گذاری بر مردم		

ادامه جدول ۳: مضمونهای پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر

مضمونهای پایه	مضمونهای سازمان‌دهنده	مضمونهای فراگیر
عذرخواهی	عوامل پیش‌برنده با منشأ مردمی	عوامل پیش برنده مشارکت
عبرت‌آموزی مردم		
حق‌طلب بودن مردم		
همبستگی و اتحاد ملی		
شنیدن صدای دولت، اجابت و اطاعت و فرمانبرداری		
فرهنگ عقلانیت محوری		
انگیزه‌بخشی به مردم و ویژگیهای انگیزه‌بخش مسئولان عالیرتبه	عوامل پیش‌برنده با منشأ دولتی	
عذرخواهی و تبیین عذرخوایش به مردم هنگام بدگمانی		
پیشرو در موفقیتها		
تقدم رهبر به اقدام و تعلیم نسبت به مردم		
بیان مهیج رهبر		
رعایت اخلاق اجتماعی		
عقلانیت پروری		
ایجاد حسن ظن و اعتماد برای مردم		
ویژگیهای اعتمادساز مسئولان عالیرتبه		

با توجه به توضیحات بخش گذشته، الگوها و یافته‌های تحقیق، که در واقع شبکه‌های مضمون را شکل می‌دهد به این صورت است:

یافته‌ها نشان داد که در تحقق میزان مشارکت شهروندی دو دسته عوامل وجود دارد: دسته اول عواملی است که به افزایش میزان و سطح مشارکت شهروندی منجر خواهد شد که از آنها به عوامل پیش‌برنده نام برده شده است. در مقابل دسته دوم، عواملی است که انگیزش شهروندان را برای مشارکت در تمام کارهای جامعه تضعیف می‌کند و از آنها در این پژوهش به عوامل بازدارنده نام برده شده است. از طرفی هر یک از این عوامل (پیش‌برنده و بازدارنده) می‌تواند توسط شهروندان یا توسط دولت به وجود بیاید. تبیین این عوامل از دید نهج‌البلاغه به این شرح زیر است:



نمودار ۳: شبکه مضمونهای فراگیر و سازمان دهنده

عوامل پیش برنده با منشأ دولتی

عوامل اساسی که به افزایش و تقویت مشارکت شهروندی از سوی دولت منجر می شود در سه عامل اساسی قرار می گیرد:

۱- انگیزه بخشی به شهروندان: انگیزه مهمترین محرکی است که حرکت شهروندان را به سمت مشارکت در پی دارد. هم چنین چیزی که انگیزه شهروندان را تقویت می کند یکی از ویژگیهایی است که مسئولان عالی از آن برخوردارند؛ به عنوان مثال همین که مسئولان در اجرای اخلاق و قوانین پیشرو هستند و قبل از اینکه نصیحتی بکنند ابتدا خود بدان عمل می کنند. حضرت در این باره چنین می فرماید: "آنچه می گویم بر عهده خویش می دانم و خود آن را پایبندم" (سیدرضی، ۱۳۸۷ق، خطبه ۱۶).

دیگر مؤلفه انگیزه‌بخش، رعایت اخلاقی است که حکومت و مسئولان در مقابل مردم دارند؛ به عنوان مثال همین که مسئولان در برخورد با مردم عدالت رفتاری و حسن معاشرت دارند: "به یک چشم بنگر به همگان؛ خواه به گوشه چشم نگری و خواه خیره شوی به آنان" (سیدرضی، ۱۳۸۷ق، نامه ۲۷) و یا حضرت می‌فرماید: "با آنان فروتن باش و نرمخو، و هموار و گشاده‌رو" - (سیدرضی، ۱۳۸۷ق، نامه ۲۷).

در مجموع همه مؤلفه‌ها و عوامل انگیزه‌بخش شهروندان در جدول ذیل آمده است:

جدول ۴: عوامل انگیزه‌بخش به شهروندان

انگیزه‌بخشی به شهروندان			
ویژگیهای انگیزه‌بخش مسئولان عالیرتبه			رعایت اخلاق از سوی دولت
عذرخواهی و توبین عذرخواش به مردم هنگام بدگمانی	بیان مهیج رهبر	پیشرو در موفقیت‌ها	تقدم رهبر به اقدام و تعلیم نسبت به مردم
			- حسن معاشرت با مردم (عدالت رفتاری، نرم‌خو بودن، گشاده‌رو بودن و فروتنی ناشی از محبت، رحمت، لطف به مردم، احسان به مردم و برقراری انصاف با مردم (سبک کردن مشقت‌ها و اکراه نکردن مردم)، اعتدال، میانه‌روی و مواسات با مردم) - ستودن شأن مردم - مقدم داشتن مردم عامل به گوشزد حق - ایجاد همدلی و محبت میان مردم - قدردانی و تشکر از حمایت مردم - توجه جدی به محرومان جامعه - همواره به فکر مشکلات مردم بودن

۲ - عقلانیت‌پروری: پرورش و تقویت قوه تفکر و تعقل از جمله وظایفی است که دولتمردان و دولت باید نسبت به مردم در پیش گیرند. دولتمردان باید طوری آگاهی‌بخشی انجام دهند که مردم را به فکر و تعقل سوق دهند و پیامد آن قضاوت و تصمیم صحیحی باشد که مردم انجام می‌دهند. امام علی(ع) در طول حکومت خود بارها و بارها به آگاهی‌بخشی و بصیرت‌افزایی نسبت به وقایع پیرامونی حکومت و واداشتن مردم به تفکر و اندیشه بیاناتی مطرح کردند تا بدین سان مردم تصمیم صحیحی بگیرند؛ به عنوان نمونه امام در پایان نامه ۶۲ برای تشویق آنها به جهاد با دشمن و

تحریک حمیت و غیرت دینی آنها تعبیرات تکان دهنده‌ای دارد و می‌فرماید: "آیا نمی‌بینید مناطق اطراف شما گرفته شده و شهرهایتان تحت تسلط دشمن قرار گرفته و کشورهای شما (یکی بعد از دیگری) تسخیر می‌شود و شهرهایتان به میدان جنگ دشمن مبدل گشته".

۳- ایجاد حسن ظن و اعتماد شهروندی: از مهمترین عواملی که مشارکت شهروندی را به دنبال خواهد داشت، اعتمادی است که مردم به دولت و مسئولان حکومت دارند و دولت و مسئولان، خود عامل اصلی تحقق و تولید اعتماد عمومی هستند. حضرت در نامه ۵۳ خطاب به مالک اشتر بر اهمیت ایجاد حسن ظن تأکید می‌کند: "و بدان که هیچ گمان، والی را به رعیت نیک نیارد؛ چون نیکی‌ای که در حق آنان کند و بارشان را سبک دارد و ناخوش نشمردن از ایشان آنچه را حقی در آن ندارد بر آنان. پس رفتار تو چنان باید، که خوش گمانی رعیت برایت فراهم آید که این رنج دراز را از تو می‌زداید" (سیدرضی، ۱۳۸۷ق، نامه ۵۳).

همان‌طور که حضرت اشاره می‌کنند ایجاد حسن ظن و اعتماد عمومی به احسان با مردم، عدم اجبار کردن مردم و تخفیف در مالیاتها بستگی دارد و غیر از این موارد، رعایت عدالت اجتماعی توسط دولت و هم‌چنین برخی ویژگیهای مسئولان در ایجاد اعتماد تأثیرگذار است:

جدول ۵: عوامل اعتمادساز شهروندان

حسن ظن و اعتمادسازی به شهروندان								
ویژگیهای اعتمادساز مسئولان عالیرتبه							رعایت عدالت اجتماعی	
بصیرت و بینداری، شجاع در مقابل دشمن	پیگیری سخت در بازگرداندن بیت المال	تنبیه متجاوز به بیت المال	دستوردهنده اوامر الهی	امانتداری	عدم کتمان حقایق	پرهیز از ستایش‌گری	جدیت در دشمن ستیزی	فضارت عادلانه بین مردم

عوامل پیش‌برنده منشأ مردمی

همان‌طور که در بندهای قبلی بیان شد، شهروندان نیز در مشارکت خویش نقش دارند و

برخی عوامل هست که مردم باید رعایت کنند تا سطح مطلوب مشارکت شهروندی مورد انتظار دولت و حکومت تحقق پیدا کند؛ این عوامل به این صورت است:

۱ - عبرت‌آموزی مردم: شهروندان باید از گذشته‌ها و نتایجی که حاصل عدم مشارکت صحیح بوده است عبرت بگیرند و به این نکته توجه کنند که مشارکت شهروندی برای خودشان سود دارد. حضرت در خطبه ۸۸ مردم را به عبرت‌آموزی دعوت می‌کند و از جمله عوامل هلاکت انسانها را عدم عبرت‌آموزی می‌داند:

"اما بعد، خداوند ستمکاران روزگار را شکست نداده، جز آنکه نخست آنان را لختی مهلت داده و در آسایش به رویشان گشاده. شکست هیچ مردمی را نبسته جز از پس آنکه - گرد - سختی و بلا بر سرشان نشسته و پس در کمتر آن دشواری که از آن استقبال کردید و اندک آن سختی که بدان پشت کردید، مایه عبرت است. نه هر که دلی دارد، بخردی داننده است و نه هر که گوشه دارد نیک شنونده است و نه هر که دیده‌ای دارد بیننده است" (سیدرضی، ۱۳۸۷، ق، خطبه ۸۸).

۲ - حق‌طلبی مردم: شهروندان باید در به دست آوردن حقوق خود جداً تلاش کنند و این باید جزء فرهنگ عمومی جامعه تلقی شود.

حضرت در نهج‌البلاغه چنین می‌فرماید: "من تا زنده‌ام به یاری جوینده حق، رویگردان از آن را می‌زنم، و با فرمانبر یکدل، نافرمان بد دل را" (سیدرضی، ۱۳۸۷، ق، خطبه ۶).

۳ - حفظ انسجام و همبستگی اجتماعی: شهروندان باید تلاش کنند عوامل تفرقه‌انگیز را شناسایی، و آنها را برطرف، و همواره اتحاد و همبستگی ملی خود را تقویت کنند. این حفظ وحدت قدرتی را ایجاد می‌کند که تحقق بسیاری از کارهای دشوار را ممکن می‌سازد. حضرت در نهج‌البلاغه بر این موضوع سفارش می‌کند: "بر شما باد به یکدیگر پیوستن و به هم بخشیدن. مبادا از هم روی بگردانید و پیوند هم را بگسلانید" (سیدرضی، ۱۳۸۷، ق، نامه ۴۷).

۴ - شنیدن صدای دولت، اجابت و اطاعت کردن: همان طور که شهروندان تمایل دارند که دولت به خواسته‌ها و انتظارات آنها پاسخ دهد، دولتمردان نیز تمایل دارند ملت و شهروندان خواسته‌ها و درخواستهای آنان را بشنوند و آنها بپذیرند و در مقام عمل اطاعت کنند. حضرت این موضوع را این گونه بیان می‌کنند:

"و خدا شما مردم شهر را پاداش دهد از سوی خاندان پیامبرتان (که درود خدا بر او باد) نیکوترین پاداش که فرمانبران خود را بخشد و سپاسگزاران نعمتش را دهد که شنیدید و پذیرفتید و

خوانده شدید و پاسخ گفتید" (سیدرضی، ۱۳۸۷، ق، نامه ۲).
 ابن میثم در شرح خود چنین می‌نویسد: "چهارمین حقّ امام بر مردم، اطاعت و فرمانبرداری است به هنگامی که دستوری صادر می‌کند. روشن است که نظام امور بدون اطاعت از فرمان رهبر استوار نمی‌شود" (بحرانی، ۱۳۷۵، شرح خطبه ۳۴).
 در مجموع، عوامل پیش‌برنده منشأ مردمی در جدول ذیل نشان داده شده است:

جدول ۶: عوامل پیش‌برنده منشأ مردمی

عوامل پیش‌برنده منشأ مردمی			
عبرت‌آموزی	حق‌طلبی مردم	حفظ انسجام و همبستگی اجتماعی	شنیدن صدای دولت، اطاعت و اجابت

عوامل بازدارنده مشارکت شهروندی منشأ دولتی

عواملی که از جانب دولت و مسئولان کشور می‌تواند در بازدارندگی مشارکت شهروندی تأثیرگذار باشد به این صورت است:

۱ - خیانت به امانت و حقوق مردم: خیانت به امانت و اموال بیت‌المال اعتماد عمومی را کاهش می‌دهد و میزان مشارکت شهروندی را تضعیف می‌کند. حضرت در نهج البلاغه از این فساد حکومتی به بدترین خیانت نام می‌برند. حضرت در نامه ۲۶ خطاب به یکی از کارگزاران امور مالیاتی می‌فرماید: "آن که کار امانت را سبک شمارد و در آن خیانت روا دارد و جان و دین خود را از خیانت پاک نماید در این جهان خواری و رسوایی را به روی خویش گشاید و به آخرت خوارتر و رسواتر درآید و بزرگترین خیانت، خیانت به مسلمانان است و زشت‌ترین دغلكاری ناراستی کردن با امام ایشان، والسلام" (سیدرضی، ۱۳۸۷، ق، نامه ۲۶). و یا در جای دیگر خطاب به یکی از کارگزاران چنین فرمودند:

"از تو به من خبری رسیده است اگر چنان کرده باشی پروردگار خود را به خشم آورده باشی و امام خویش را نافرمانی کرده، و امانت خود را از دست داده. به من خبر داده‌اند تو کشت زمین را برداشته و آنچه پایت بدان رسیده برای خود نگاه‌داشته‌ای و آنچه در دست بوده خورده‌ای. حساب خود را به من باز پس بده و بدان که حساب خدا بزرگتر از حساب مردمان است" (سیدرضی، ۱۳۸۷، ق، نامه ۴۰).

۲ - استبدادگری با مردم: تکبر و خودپسندی، تندخویی، رفتار آمرانه با مردم و اذیت و آزار بر مردم از جمله مصداقهای استبدادگری با شهروندان به شمار می‌رود که مشارکت شهروندی را بشدت کاهش می‌دهد و حضرت کارگزاران خود را از آن نهی می‌کند. حضرت در نامه‌ای خطاب به «اشعث بن قیس» فرماندار آذربایجان چنین می‌فرماید:

"کاری که به عهده توست نانخورش تو نیست؛ بلکه بر گردنت امانتی است. آن که تو را بدان کار گمارده، نگهداری امانت را به عهده‌ات گذارده. تو را نرسد که آنچه خواهی به رعیت فرمایی و بی دستوری به کاری دشوار درآیی" (سید رضی، ۱۳۸۷، ق، نامه ۵).

حضرت خطاب به یکی از کارگزاران مالیاتی: "و به او سفارش می‌کنم با مردم تندخو نباشد و به آنها دروغ نگوید و با مردم به جهت اینکه بر آنها حکومت دارد بی‌اعتنایی نکند" (سید رضی، ۱۳۸۷، ق، نامه ۲۶).

حضرت در نامه ۵۳ خطاب به مالک اشتر چنین می‌فرماید: "مگو مرا گمارده‌اند و من می‌فرمایم و اطاعت امر را می‌پایم. چه این کار دل را سیاه کند و دین را پژمرده و تباه و موجب زوال نعمت است" (سیدرضی، ۱۳۸۷، ق، نامه ۵۳).

۳ - خلف وعده عمل کردن: طبق بیان صریح حضرت در نهج‌البلاغه خلف وعده عمل کردن دولتمردان و مسئولان، خشم خدا و مردم را به دنبال دارد. بنابراین تأثیر بازدارندگی این عامل در مشارکت شهروندی مشهود است:

"مبادا هرگز با خدمت‌هایی که انجام دادی بر مردم منت گذاری یا آنچه را انجام داده‌ای بزرگ بشماری یا مردم را وعده‌ای داده، سپس خلف وعده نمایی. منت نهادن، پاداش نیکوکاری را از بین می‌برد و کاری را بزرگ شمردن، نور حق را خاموش گرداند و خلاف وعده عمل کردن، خشم خدا و مردم را بر می‌انگیزاند که خدای بزرگ فرمود: «دشمنی بزرگ نزد خدا آنکه بگویند و عمل نکنند» (جعفری، ۱۳۷۷، شرح‌نامه ۵۳).

۴ - منت گذاری بر مردم: طبق استناد گذشته منت گذاری بر مردم برخلاف مشیت و سنت الهی است و نصرت الهی را کاهش می‌دهد؛ ضمن اینکه اصولاً مسئولان خدمات خود را باید جزء وظایف خود در نظر بگیرند.

۵ - توجه به خویشاوندان در حکومت: "نیز والی را نزدیکان است و خویشاوندان که خوی برتری جستن دارند و گردنفرازی کردن و در معاملات انصاف را کمتر به کار بستن. ریشه ستم اینان

را با بریدن اسباب آن برآر و به هیچ یک از اطرافیان و خویشاوندانندت زمینی را به بخشش وا مگذار و مبادا در تو طمع کنند با بستن پیمانی که مجاور آنان را زیان رساند در بهره‌ای که از آب دارند یا کاری که باید با هم به انجام رسانند و رنج آن را بر عهده دیگران نهند پس بر آنان تنها گوارا افتد و عیب آن در دنیا و آخرت بر تو ماند" (سیدرضی، ۱۳۸۷ق، نامه ۵۳).

۶- امتیازخواهی بیش از حق خود: "و پرهیز از آنکه چیزی را به خود مخصوص داری که بهره همه مردم در آن یکسان است" (سیدرضی، ۱۳۸۷ق، نامه ۵۳).

۷- شتابزدگی در عمل ناخوشایند مردم: امام علیه‌السلام (در زیان رنجانیدن) فرموده است: "هر که بی‌محابا به مردمان آن گوید که نخواهند، درباره‌اش آن گویند که ندانند" (سیدرضی، ۱۳۸۷ق، حکمت ۳۵).

۸- دوری و اختفای طولانی زمامدار از مردم: حضرت در نامه ۵۳ می‌فرماید که زمامدار نباید خود را از مردم دور و پوشیده نگه دارد. علت آن این است که اختفای زمامداران از مردم جامعه نوعی تنگدلی و کم‌اطلاعی از کارها است و اختفای زمامدار، علم به علت مخفی شدن را از مردم قطع می‌کند. در نتیجه موضوعی بزرگ در نزد آنان کوچک و کوچک، بزرگ، و نیکو، قبیح و قبیح نیکو می‌شود و حق با باطل مخلوط می‌گردد (جعفری، ۱۳۷۷، شرح‌نامه ۵۳).

۹- بی‌بصیرتی و کارشکنی مسئولان: گاهی اوقات برخی از مسئولان شناخت درستی از وضعیت جامعه و شرایط پیرامونی ندارند و با اقدامات خویش مانع مشارکت مردم می‌شوند. نمونه آن در تاریخ درباره‌ی ابوموسی اشعری فرماندار کوفه است. هنگامی که «محمدبن‌جعفر» و «محمدبن‌ابوبکر» وارد کوفه شدند، مردم را برای کمک به امام علی علیه‌السلام آماده ساختند. عده‌ای از مردم نزد «ابو موسی» که فرماندار «کوفه» بود و پس از قتل «عثمان» امام علیه‌السلام او را ابقاء کرده بود، رفتند و نظر او را برای رفتن به یاری امام علیه‌السلام جویا شدند. «ابوموسی» گفت: اگر راه آخرت را می‌پویید در خانه بنشینید و اگر طالب دنیا هستید با این دو نفر حرکت کنید؛ لذا بدین سان مردم از همراهی با فرستادگان امام (ع) خودداری کردند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، شرح‌نامه ۱).

۱۰- دروغ‌گویی، بی‌توجهی و بی‌اعتنایی مسئولان نسبت به مردم

"به او (کارگزاران مالیاتی) سفارش می‌کنم با مردم تندخو نباشد و به آنها دروغ نگوید و با مردم به جهت اینکه بر آنها حکومت دارد بی‌اعتنایی نکند" (سیدرضی، ۱۳۸۷ق، نامه ۲۶).

جدول ۷: عوامل بازدارنده مشارکت شهروندی منشأ دولتی

عوامل بازدارنده مشارکت شهروندی منشأ دولتی									
بی‌بصیرتی و کارشناسی مسئولان	دره‌نگویی و بی‌ترجیحی	منت‌گذاری بر مردم	خلف وعده عمل کردن	دوری و اختفای طولانی زمامدار	شتاب‌زدگی	استبدادگری با مردم	امتیازخواهی	خیانت به امانت	ترجیح به خریداران

عوامل بازدارنده مشارکت شهروندی با منشأ مردمی

علاوه بر عوامل بازدارندگی از جانب دولت و دولتمردان، شهروندان نیز می‌توانند خود در تقصیر عدم مشارکت سهیم باشند؛ لذا برخی ویژگیهای فکری و رفتاری و انگیزشی هست که مانع مشارکت خواهد شد. این مؤلفه‌های مؤثر به این صورت است:

۱ - دنیا پرستی، لذت شخصی و نارضایتی به عدالت: در تاریخ داریم که گاهی اوقات علت نافرمانی و مخالفت برخی مردم و یا افراد سرشناس عدم تحمل شیوه و رفتارهای عدالت‌محور است. حضرت در نامه ۷۰ این مسئله را توضیح می‌دهند:

"به من خبر رسیده است از مردمی که نزد تو به سر می‌برند، بعضی پنهانی نزد معاویه می‌روند، دریغ مخور که شمار مردانت کاسته می‌گردد و کمکشان گسسته. در گمراهی آنان و رهاییت از رنج ایشان، بس بود از حق‌شان گریختن و به کوری و نادانی شتافتن. آنان مردم دنیابند. روی بدان نهاده و شتابان در پیش افتاده. عدالت را شناختند و دیدند و شنیدند و به گوش کشیدند و دانستند مردم به میزان عدالت در حق یکسانند؛ پس گریختند تا تنها خود را به نوایی برسانند..." (سید رضی، ۱۳۸۷ق، نامه ۷۰).

۲ - جهل و بی‌اطلاعی مردم: گاهی اوقات جهل و عدم اطلاع مردم از واقعیت و حقیقتی مانع از واکنش مثبت و یاری آنها به قضیه خواهد شد. ابن‌میشم در شرح خطبه ۱۶ این مسئله را چنین توضیح می‌دهد:

فرموده است: "من ابدی صفحه‌ته للحقّ هلک [عند جملة (جهلة) الناس] و کفی بالمرء جهلان

لا یعرف قدره" این جمله برای آگاه کردن مردم است به این حقیقت که هر کس بی‌پروا حق را در مقابل هر باطلی اظهار، و عقیده جاهلان را رد کند و آنها را در زمانی بر تلخی حق و دشواری آن وا بدارد از دست و زبان جاهلان در معرض هلاکت قرار می‌گیرد؛ زیرا کسی که مکروه را پشت سرانداخته و در نکوهش آن می‌کوشد، جزو آنان محسوب نمی‌شود. در این کلام مقصود امام(ع) ایجاد نفرت کردن از جهل در بین مردم است تا به مقداری که به شناخت جهل دست می‌یابند، خود را برای رعایت حق خالص، و آن را یاری کنند" (بحرانی، ۱۳۷۵، خطبه ۱۶).

۳- ناتوانی و ترس: در دوران حکومت حضرت، ضعف و ترس مردم مانع شرکت آنها در جهاد می‌شد. امروزه نیز ناتوانی و یا ترس می‌تواند عامل مهمی برای عدم شرکت مردم در برخی از کارهای جامعه از جمله امر به معروف و نهی از منکر و... باشد.

"نفرین بر شما! که از سرزنش‌تان به ستوه آمدم. آیا به زندگانی این جهان به جای زندگانی جاودان خرسندید و خواری را بهتر از سالاری می‌پسندید؟ هر گاه شما را به جهاد با دشمنان می‌خوانم، چشمانتان در کاسه می‌گردد که گویی به گرداب مرگ اندرید و یا در فراموشی و مستی به سر می‌برید. در پاسخ سخنانم در می‌مانید؛ حیران و سرگردانید؛ گویی دیو در دلتان جای گرفته و دیوانه‌اید. نمی‌دانید و از خرد بیگانه‌اید. من دیگر هیچ‌گاه به شما اطمینان ندارم" (سید رضی، ۱۳۸۷ ق، خطبه ۳۴).

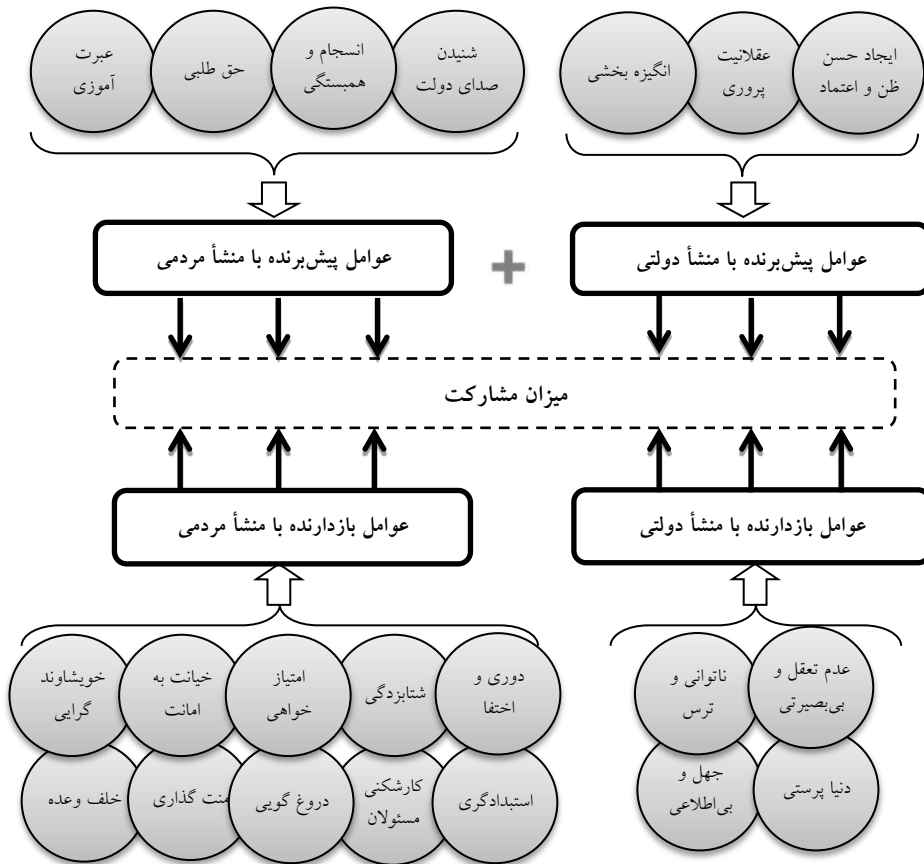
۴- عدم تعقل و بی‌بصیرتی مردم: عدم تفکر و اندیشه منطقی نسبت به نظر، رفتار و انگیزه‌ها، انسان را دچار سردرگمی و از مسیر صحیح خارج می‌کند و همین امر سبب می‌شود از دشمنان اصلی کشور غفلت کنند و در تقابل با آنها هیچ کاری صورت ندهند.

"راه فهم سخنان من بر شما بسته می‌شود و شما در حیرت و تردید می‌افتید؛ گویا دل‌هایتان مختل است و نمی‌توانید تعقل نمائید" (جعفری، ۱۳۷۷، شرح خطبه ۳۴).

جدول ۸: عوامل بازدارنده منشأ مردمی

عوامل بازدارنده منشأ مردمی			
دنیاپرستی و لذت شخصی	جهل و بی‌اطلاعی مردم	عدم تعقل و بی‌بصیرتی	ناتوانی و ترس

جمع‌بندی الگوی مفهومی این عوامل در نمودار ۴ آمده است. این الگو نشان می‌دهد که جمع نیروی عوامل پیش‌برنده و جمع نیروی عوامل بازدارنده مشارکت را به حد تعادل می‌رساند.



نمودار ۴: الگوی مفهومی عوامل پیش‌برنده و بازدارنده مشارکت شهروندی

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

حکومت اسلامی مشروعیتی آسمانی و مقبولیتی زمینی دارد. از این رو مسئله این است که چگونه می‌توان طراحی کرد که مردم در کارهای مختلف مشارکت کنند. نگاه آموزه‌های اسلامی به موضوع چیست. این بسیار مهم است که بدانیم رویکرد مشارکت شهروندی به عنوان رویکرد متعالی در ادبیات نوظهور مدیریت دولتی نه تنها با مبانی اسلامی مغایرتی ندارد بلکه آموزه‌های غنی اسلامی و بویژه نهج‌البلاغه قبل از طرح این موضوع در ادبیات نوین دانش مدیریت بر آن

تأکید جدی کرده است. مطابق با نتایج فرایند تجزیه و تحلیل داده‌ها، عوامل مشارکت در دو دسته عوامل بازدارنده و پیش‌برنده قرار می‌گیرد که این عوامل از دید آموزه‌های نهج‌البلاغه هم از سوی دولتها و هم از سوی مردم شکل می‌گیرد؛ به عبارت دیگر علاوه بر دولتها، مردم نیز در مشارکت کردن سهیم هستند. الگوی نمودار شماره ۴ نشان می‌دهد که برای مشارکت شهروندی، داشتن نگاه جامع و سیستمی، رویکرد صحیح در سیاستگذاری مشارکت شهروندی در کشور خواهد بود. خط‌مشی‌های این حوزه باید هم به خودآگاهی مردم و هم به سیاستها و اقدامات صحیح دولتها ناظر باشد. نکته دیگری که در این الگو وجود دارد این است که همه مجموعه عوامل این الگو باید مورد توجه خط‌مشی‌گذاران باشد. نمی‌توان تنها به برخی از آن توجه کرد و این غفلتی راهبردی است.

در پایان نیز برای پژوهشگران آینده برخی پیشنهادهای تحقیقاتی ارائه می‌شود:

- عوامل پیش‌برنده و بازدارنده دارای زیست شبکه‌ای موضوعی است که می‌توان الگوی شبکه‌ای آنها را نیز طراحی کرد.
- تدوین خط‌مشی‌های پیش‌برنده و بازدارنده مشارکت شهروندی از جمله موضوعاتی است که بر اساس الگوی آن می‌توان طراحی کرد.
- بخشی‌نگری در طراحی این الگو در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، علمی و... نیازمند تحقیق دیگری است که بر اساس اقتضانات هر موضوع تدوین می‌شود.
- رتبه‌بندی عوامل یاد شده متناسب با اقتضانات و اهمیت و فوریت برای کشور موضوع دیگری است که الگوی اجرایی کار را ترسیم می‌کند.
- به نظر می‌رسد شناسایی عوامل زمینه‌ای دولت و شهروندان نیز در مشارکت شهروندی تأثیرگذار است و لازم است اینها نیز از دید نهج‌البلاغه شناسایی شود.

یادداشت‌ها

- ۱ - وَ إِنَّ عَمَلَكَ لَيْسَ لَكَ بِطُعْمَةٍ، وَ لَكِنَّهُ فِي غُنْفِكَ اِئْمَانَةٌ وَ اءْتَتْ مُسْتَرْعَى لِمَنْ فَوْقَكَ لَيْسَ لَكَ اِنَّ تَفَنَاتٍ فِي رَعِيَّتِهِ، وَ لَا تُخَاطِرُ اِلَّا بِوَيْبِقَةٍ وَ فِي يَدَيْكَ مَالٌ مِنْ مَالِ اللّٰهِ عَزَّ وَ جَلَّ، وَ اءْتَتْ مِنْ خَزَائِنِهِ حَتَّى تُسَلِّمَهُ اِلَى وَ اَلْعَلَى اِنَّ لَا اءْكَوْنَ شَرًّا وَّلَا يَنْكَ لَكَ، وَ السَّلَامُ
- ۲ - وَ إِنَّ عَمَلَكَ لَيْسَ لَكَ بِطُعْمَةٍ، وَ لَكِنَّهُ فِي غُنْفِكَ اِئْمَانَةٌ وَ اءْتَتْ مُسْتَرْعَى لِمَنْ فَوْقَكَ لَيْسَ لَكَ اِنَّ تَفَنَاتٍ فِي رَعِيَّتِهِ، وَ لَا تُخَاطِرُ اِلَّا بِوَيْبِقَةٍ وَ فِي يَدَيْكَ مَالٌ مِنْ مَالِ اللّٰهِ عَزَّ وَ جَلَّ، وَ اءْتَتْ مِنْ خَزَائِنِهِ حَتَّى تُسَلِّمَهُ اِلَى وَ اَلْعَلَى

۳ - وَ اَشْعِرُ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَ الْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَ اللُّطْفَ بِهِمْ وَ لَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِيًا تَعْتَنِمُ اَعْكَالَهُمْ، فَاِنَّهُمْ صِنْفَانِ: اِمَّا اَخٌ لَكَ فِي الدِّينِ وَ اِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ

منابع فارسی

- الوانی، سیدمهدی (۱۳۸۹). مبانی مدیریت در نظارت همگانی. مجموعه مقالات همایش نظارت همگانی. تهران: انتشارات مرکز نظارت همگانی شهرداری تهران.
- بابایی ردویی، مهران (۱۳۸۸). نظام جامع مشارکت در کمیته امداد امام خمینی (ره). مجموعه مقالات همایش ملی توسعه مشارکتهای مردمی. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- بحرانی، میثم ابن علی ابن میثم (۱۳۷۵). ترجمه و شرح نهج البلاغه. ترجمه قربان علی محمدی مقدم. مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
- برزگر کلیشمی، ولی الله (۱۳۶۹). تفکرات اجتماعی (دیدگاه جامعه‌شناسی) حضرت علی (ع) در نهج البلاغه. رساله کارشناسی ارشد. دانشگاه امام صادق (ع).
- بشیریه، حسین (۱۳۸۲). آموزش دانش سیاسی. چ سوم. تهران: نشر نگاه معاصر.
- بیات، محمدرضا (۱۳۸۱). حقوق متقابل مردم و حکومت در نهج البلاغه. رساله کارشناسی ارشد. دانشگاه شیراز.
- پوراحمد، احمد؛ حبیبی، لیلا؛ جعفری مهرآبادی، مریم (۱۳۹۱). نظریات فارابی و کاربرد آن در مشارکت شهروندی. مجله باغ نظر. س نهم. ش ۲۱: ۲۰ - ۱۳.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۸۵). حکمت اصول سیاسی اسلام (ترجمه و تفسیر فرمان مالک اشتر). قم: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- حافظ‌نیا، محمدرضا؛ پارسائی، اسماعیل؛ حسین پور پویان، رضا (۱۳۹۰). بررسی تطبیقی تأثیر نهادهای محلی قبل و بعد از انقلاب اسلامی بر مشارکت شهروندی. فصلنامه پژوهشهای جغرافیای انسانی. ش ۱۲: ۱۶۴ - ۱۴۶.
- خان‌محمدی، هادی (۱۳۹۳). الگوی مشارکت شهروندی در مدیریت دولتی مبتنی بر نهج البلاغه. رساله دکتری. دانشگاه علامه طباطبائی (ره).
- خان‌محمدی، هادی؛ واعظی، رضا؛ دلشاد تهراتی، مصطفی (۱۳۹۳). الگوی مشارکت شهروندی در مدیریت دولتی مبتنی بر نهج البلاغه. فصلنامه مدیریت سازمانهای دولتی. ش ۷: ۴۸ - ۲۵.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۹). منظر مهر: مبانی تربیت در نهج البلاغه. تهران: انتشارات دریا.
- راغب اصفهانی، حسین ابن محمد (۱۳۷۱). مفردات الفاظ القرآن. به تحقیق عدنان داوودی. بیروت: نشر دارالقلم.
- رحمانی، جواد؛ پیربابایی، محمدتقی؛ شجاری، مرتضی (۱۳۹۳). تبیین مفهوم مشارکت شهروندی در مدیریت شهری از دیدگاه علامه طباطبائی (ره). دو فصلنامه اسلام و مدیریت. ش ۶: ۱۸۰ - ۱۶۳.
- رحمت‌اللهی، حسین؛ آقامحمدآقایی، احسان (۱۳۹۲). درآمدی بر نقش دولت بر مشارکت‌پذیری مردم. مجله مطالعات حقوقی (علوم اجتماعی و انسانی شیراز). ش ۳: ۱۰۷ - ۶۷.

رستگاری، ابوالقاسم؛ برخوردار، علی (۱۳۸۸). بررسی راهکارهای توسعه مشارکتهای مردمی کمیته امداد امام خمینی (ره). مجموعه مقالات همایش ملی توسعه مشارکتهای مردمی. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

سیدرضی، ابوالحسن محمدبن حسین بن موسی (۱۳۸۷ق). **نهج البلاغه**. ترجمه سید جعفر شهیدی و عبدالمحمد آیتی. قم: مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت.

فاضل موحدی لنکرانی، محمد (۱۳۶۶). آیین کشورداری از دیدگاه امام علی (ع). قم: دفتر نشر و فرهنگ اسلامی.

مطهری، مرتضی (۱۳۶۶). **سیری در نهج البلاغه**. تهران: انتشارات صدرا.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۵). **پیام امام؛ شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه**. قم: انتشارات دارالکتاب السلامیه.

منابع انگلیسی

- Ashton Julian. (2017). Public involvement in public health. **Research Journal of Public Mental Health**, V.16. Pp.27-44.
- Boyatzis, R. E. (1998). **Transforming qualitative information: thematic analysis and code development**. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Braun, V. Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. **Qualitative Research in Psychology**, Vol. 3. No. 2, Pp. 77-101.
- Dermentzi Eleni, Papagiannidis S. (2018). **Academics' intention to adopt online technologies for public engagement**. Internet Research, Volume: 28 Pp. 58-72.
- Gaynor, T. (2011). **stakeholder perception on the role of community development corporation and resident participation**. A PhD. Dissertation . The State University of New Jersey.
- Hong-Cheng, L. (2011). **Organizational accountability in emergency management: examining typhoon morakot from citizens perspective**. A Ph.D Dissertation. University of La Verne.
- Hughes, Mark. (2011). The challenges of informed citizen participation in change. **Journal of Transforming Government: People, Process and Policy**, V.1, Pp. 68 – 80.
- Kaehne A. Beacham A. Feather J. (2018). Co-production in integrated health and social care programmes: a pragmatic model. **Journal of Integrated Care**. V.26: Pp. 33-49.
- Kathe, Callahan. (2016). **Elements of effective governance: measurements, accountability and participation**. New York: Taylor and Francis.
- King, N. Horrocks, C. 2010. **Interviews in qualitative research**. London: Sage.
- Parry, G. Moyser, G. Day, N. (1992). **Political Participation and Democracy in Britain**. United Kingdom :Cambridge University Press.
- Umansky D. Fuhrberg, R. (2018). Improving risk communication and public participation through mutual understanding: A coorientation approach. **Journal of Communication Management**, V.22: Pp. 12-28.



تخطيط القدوة المدلويّة في أسباب المتقدّمة و المتماسكة للمشاركة المدنيّة في نهج البلاغه

رضا واعظي *

هادي خان محمدي **

مصطفى دلشاد طهراني ***

حسين أصلي بور ****

إنّ المشاركة المدنيّة نتيجة الديمقراطية في المرحلة الحديثة و الاعتراف بحقوق السيادة في الوحدات الإنسانيّة بتحديد المصيرة السياسيّة و الإقتصاديّة و الثقافيّة لهم. و بينما تعتبر المشاركة للشعب على التعاليم الإسلاميّة من الدكتورين و الأفكار الأساسيّة للحكومة الإسلاميّة. فإذن يجب على الحكومات الإسلاميّة أن تخطّط العناد في ثبوت مشاركة الشعب على الأكثر. إنّ قضية الدراسة هذه فأيّما الأسباب تدور في التعزيز أو إسترخاء الشعب في المضامير و مستويات السيادة المختلفة أو تؤثر بالقاعلة. قد رجعت لإستخراج هذه الأسباب إلى بعض أهمّ المصادر الدينيّة الوثيقة يعنى نهج البلاغه. تمّ تحليل المعلومات بالإفادة من إستراتيجيّة تحليل المحتوى تبتنى على الآلة الكمبيوترية اللينة Maxqd2. تعرض تواجيدات البحث أنّ تجعل الأسباب المتفاعلة على المشاركة المدنيّة في فريقى الأسباب المتقدّمة و المتماسكة اللذان يمكن أيهما أن يكونا مصدرين شعبيين حكوميين، و بعبارة أخرى تشرك الحكومات و المدنيون أيضاً في إنشاء المشاركة. تنشئ القوّة المتوجهة في قوآت الأسباب المتقدّمة و قوآت الأسباب المتماسكة على حدّ المتعادلة و المتوازنة في المشاركة المدنيّة.

الكلمات الرئيسية: نهج البلاغه، الحكومة الإسلاميّة، الجماهير الدينيّة، المشاركة المدنيّة، السيادة السياسيّة.

* الأستاذ في قسم الإدارة الحكوميّة بجامعة العلّامة الطباطبائي

** الكاتب المسؤول: مساعد الأستاذ في قسم الإدارة الحكوميّة بجامعة العلّامة الطباطبائي

*** مساعد الأستاذ في جامعة القرآن و الحديث

**** مساعد الأستاذ في قسم الإدارة الحكوميّة بجامعة العلّامة الطباطبائي